



## The Approach of the Islamic Penal Code towards Crime Prevention with the Approach of Juvenile Crimes

## رویکرد قانون مجازات اسلامی نسبت به پیشگیری از جرم در جرائم اطفال و نوجوانان

Ali Karimi

Master of Criminal Law and Criminology, lecturer at Ahvaz University of Applied Sciences, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)

علی کریمی  
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه علمی کاربردی اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

Aziz.karimi0106@gmail.com

Sadegh Feteli

PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran

صادق فتیلی  
دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه علمی کاربردی اهواز، اهواز، ایران

sadgh.fatele56@gmail.com  
<http://orcid.org/0000-0001-7094-550x>

### Abstract

Security is a gift in the shadow of which life flows and with its absence the pulse of existence slows down and life dies in its absence. In recent decades, under the influence of rapid and tremendous economic, social and cultural transformations around the world and the occurrence of the information and communication technology revolution, which is the basic feature of today's world; On the one hand, the opportunities and conditions and the amount of social anomalies have increased, and on the other hand, the possibility and ability to fight against these deviations has become much greater than in the past. The importance of policies, programs and measures to prevent crimes due to the ineffectiveness of the criminal justice system it is undeniable with crimes. In preventive criminology, prevention means that; by using different techniques to prevent delinquency, it welcomed the crime and surpassed it. The question raised in this article is to what extent the punishment compiled in the Islamic Penal Code has been effective and in which direction has its approach moved? This article is written in a descriptive research method.

**Keywords:** Preventive, Criminals, Children, Social Protection, Islamic Penal Code.

### چکیده

امنیت موهبتی است که در سایه آن زندگی جریان می‌یابد و با فقدان آن نبض هستی به کندی می‌گراید و در نبودش حیات می‌میرد. در دهه‌های اخیر تحت تأثیر دگرگونی‌های سریع و شگرف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سراسر جهان و وقوع انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات که ویژگی اساسی دنیای امروز است؛ از یک سو فرصت‌ها و شرایط و میزان ناهنجاری‌های اجتماعی افزایش یافته است و از سوی دیگر امکان و توان مبارزه و مقابله با این کجروی‌ها بسیار بیشتر از گذشته شده است. اهمیت سیاست‌ها، برنامه‌ها و تدابیر پیشگیری از جرائم با توجه به ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در مبارزه با جرائم غیرقابل انکار است. در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری به این معنا است که؛ با به کارگیری فنون مختلف به منظور جلوگیری از بزه‌کاری به استقبال جرم رفته و از آن پیشی گرفت. سؤالی که در این مقاله مطرح می‌باشد، این است که مجازات تدوین شده در قانون مجازات اسلامی تا چه حدی مؤثر بوده و رویکرد آن به کدام سمت و سوی حرکت نموده است؟ این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی به نگارش در آمده است.

**واژگان کلیدی:** پیشگیری، بزه‌کاران، اطفال، حفاظت اجتماعی، قانون مجازات اسلامی.

Received: 2022/11/02 - Review: 2023/01/08 - Accepted: 2023/02/10

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۰۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰

ارجاع:

کریمی، علی؛ فتیلی، صادق؛ (۱۴۰۱)، رویکرد قانون مجازات اسلامی به پیشگیری از جرم در جرائم اطفال و نوجوانان، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



## مقدمه

پدیده جنایی نشانگر تعارض منافع و عناد و دشمنی میان فرد و هم‌نوعانش در جامعه و ظهور عنصر ظلم و تجاوز و بغی و فساد در جامعه از ناحیه انسان است که این خود به طور طبیعی واکنش جامعه و مدیریت آن را در قبال بزهکاری به دنبال داشته است. به طوری که تدابیر، راه‌حل‌ها و سیاست‌ها و نظریه‌های مختلفی برای کنترل پدیده جنایی و جرم و جنایت در جامعه از ناحیه صاحب‌نظران و دانشمندان و ادیان الهی و مکاتب بشری مطرح شده است (صانعی، ۱۳۷۱، ۱۱۳). از زمان پیدایش مفاهیمی همچون جرم، مجرم، مجازات و اصلاح و بازسازی، حقوق و جزا همواره تحولات بی‌شماری را تجربه نموده است و آرام آرام، استفاده از علوم کمکی از قبیل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی پزشکی حالتی طبیعی گرفته است.

تحولات تئوریک حقوق کیفری پیدایش شاخه‌ای نوین را به ما نوید می‌دهد که به سیاست جنایی موسوم است که می‌توان ساده‌ترین تعریف برای آن را سیاست دولت در برابر جنایت دانست. سیاست جنایی مفهومی است که مباحث گسترده جدال برانگیزی در مورد آن صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که برخی آن را با سیاست کیفری یکی دانسته و تعریفی که برای آن ارائه داده‌اند واکنش‌های کیفری علیه جرائم توسط دولت است. می‌توان سیاست جنایی را سازمان‌دهی واکنش علیه بزهکاری دانست. این واکنش ممکن است از سوی دولت صورت بگیرد یا به گونه‌ای دیگر مردم خود در مقابله با بزهکاری مداخله نمایند. هرچند در ابتدا صاحب‌نظران بودند که سیاست جنایی را تنها از طریق حقوق کیفری محقق می‌دانستند، ولی امروزه این امر بدیهی گردیده است که مرزهای حقوق جزا بیش از پیش

فاقد صراحت است و اصلاح بزهکاران محدود به آن نیست. مفاهیمی همچون توجه به وضعیت صغار در معرض خطر، دختران خیابانی و فراری، همه و همه از مواردی است که حقوق کیفری ناتوان از پاسخ دادن به آن‌هاست. این جا است که تدابیر پیشگیرنده و به قولی صائب «حقوق پیشگیری» می‌تواند نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. نوجوانی دوران پایه‌گذاری شخصیت انسان است. سلامتی روحی، روانی و جسمی انسان وابستگی قوی به چگونگی گذران این دوران دارد. ناتوانی جسمانی و عقلانی نوجوان ایجاب می‌کند که قانون‌گذار حمایت‌های خاص خود را مبذول این گروه از جامعه نماید. نهادها و قوانین حمایتگر در جهت جبران ناتوانی نوجوان در حفظ حقوق خویش است. وجود این حمایت‌ها از اقبال ضعیف جامعه مثل زنان، زندانیان، آوارگان، پناهندگان و غیره نیز احساس می‌گردد؛ اما آنچه اهمیت این گونه حمایت‌ها را در خصوص فرد نوجوان پر رنگ‌تر می‌نماید، شکل‌گیری وجود انسان و ابعاد شخصیتی وی در این مرحله از زندگی است.

هدف حقوق جزا، اصلاح مجرم و جامعه است و وسیله نیل به این هدف، مجازات، یعنی واکنش اجتماعی در مقابل پدیده مجرمانه است. مکاتب فکری در دوران‌های مختلف، اهداف متعددی برای مجازات ارائه نموده‌اند، اما امروزه با نضج افکار مکتب اجتماعی نوین، این نظر پذیرفته شده است که مهم‌ترین هدف مجازات، اصلاح مجرم در جهت باور و پذیرش هنجارهای اجتماعی و تطبیق وی با این هنجارها است.

حفظ قداست و ارزش دوران نوجوانی بر عهده آحاد حکومتگران است و قانون‌گذار نیز در این زمینه سهمی دارد. وظیفه قانون‌گذار در جهت بخشیدن قدرت اجرایی به بایدها و نبایدها، وضع مقرراتی برای حفظ حقوق افراد جامعه است و حیطة بررسی ما در این پژوهش، بررسی و مقایسه نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به‌منظور مشخص نمودن میزان موفقیت قانون‌گذار جزایی ایران در حفظ حرمت بایدها و نبایدها و اعطای قدرت اجرایی به آن‌ها در زمینه حقوق نوجوانان بزهکار است. حال سؤال این است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چه تدابیری در جهت باوراندن هنجارهای اجتماعی به نوجوانان بزهکار اندیشیده و چگونه می‌خواهد آنان را از قربانی جرم شدن دور نگه دارد؛ به عبارت دیگر، جرائم جزایی نوجوانان بزهکار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چه نوآوری‌ها و تغییراتی در جهت اصلاح نوجوانان بزهکار در مقایسه با قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اندیشیده است؟

## ۱- مفهوم جرم

دانشمندان با توجه به رشته تخصصی خود، توصیف‌های گوناگونی از جرم نموده‌اند. جرم از نگاه جامعه‌شناختی، انحراف و عملی خلاف موازین جامعه و مخالف با هنجارهای اجتماعی است که ناهنجاری خوانده می‌شود. برخی دیگر جرم را عملی نابهنجار، و مجرم را کسی که، نظم اجتماعی را بر هم بزند تلقی کرده‌اند. حقوق‌دانان هر فعل و ترک فعلی را که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد، جرم می‌داند. از نگاه روان‌شناسان عبارت است از: خارج شدن از حالت تعادل روانی و رفتاری؛ یعنی داشتن رفتار منحرفانه، یا رفتاری که صورت عادی و نرمال نداشته باشد.

## ۲- عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم

عوامل فردی: بی‌تردید یکی از عوامل مؤثر در رفتار بزه‌کارانه خصوصیات شخصی افراد است. عده‌ای از جرم‌شناسان تحت عناوین مجرمین مادرزادی و یا تیپ‌شناسی جنائی به بررسی‌های مفصل در این زمینه پرداخته و معتقدند شخصیت مجرم تأثیر فراوانی در ارتکاب بزه داشته و بررسی ابعاد شخصیتی مجرمین کمک شایانی به تدوین مبانی و اصول جرم‌شناسی می‌نماید. ظهور اندیشه آزمایش علمی شخصیت در قوانین کیفری کشورهای پیشرفته از همین طرز فکر نشأت گرفته است، این آزمایش دارای سه بعد مختلف: پزشکی، روان‌پزشکی، و اجتماعی است. امروزه این آزمایش، عمدتاً در مورد جوانان بزه‌کار متداول است. هدف اصلی جرم‌شناسان و متخصصین حقوق کیفری جدید از بررسی شخصیت بزه‌کار ملحوظ داشتن شخص به‌عنوان صاحب یک حق است، نه صرفاً موضوعی جهت اعمال مجازات. به نظر آن‌ها خصوصیات فردی اشخاص از قبیل سن، میزان سواد، رنگ پوست و حتی شکل ظاهری بعضی اندام‌ها در علاقمندی یا عدم علاقمندی آن‌ها به ارتکاب بزه مؤثر است.

عوامل محیطی. تأثیر عوامل محیطی بر رواج بزه‌کاری امری مسلم و تردیدناپذیر است. این عوامل شامل شرایط خانوادگی، عوامل جمعیتی و عوامل طبیعی یا جغرافیائی است. می‌توان گفت عامل نخست از مؤثرترین عوامل در ازدیاد یا کاهش میزان جرائم است. خانواده آینه شخصیت کودکان است. در کانون‌های خانوادگی ناهمگن که معمولاً عواطف خانوادگی ضعیف و مخدوش است افراد بزه‌کار بیشتر پرورش می‌یابند. به‌عنوان مثال، به اعتقاد همه محققان و حقوقدانان طلاق و ایجاد گسیختگی بین همسران،

از عوامل مؤثر در پرورش افراد بزه‌کار بوده و در این قبیل خانواده‌ها به دلیل محرومیت فرزندان و نوجوانان از عواطف و ملاحظت‌های خانوادگی و مهر و محبت مادران، کودکان به خشونت گرائیده و بعضاً تمایلات رفتار مجرمانه یا بزه‌کاری در آن‌ها بروز می‌کند. چنان که عوامل جمعیتی نیز نقش مؤثر دارد. توسعه شهرها و تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ نیز از عوامل محیطی جرم‌زا محسوب می‌شوند. با این توضیح که در شرایط تراکم جمعیت امکانات و وسیع‌تری برای ارتکاب جرم در دسترس اشخاص قرار می‌گیرد. بنابراین تراکم جمعیت و گمنامی و تحرک که برای مجرمین امکان فرار از چنگال قانون را فراهم می‌سازد نباید نادیده گرفته شود. منظور از عوامل طبیعی و جغرافیایی عواملی از قبیل آب و هوا و سرزمین و تغییرات جوی است که می‌توانند در رشد روح بزه‌کاری و یا تخفیف آن مؤثر باشند. مثلاً وجود مخفیگاه‌ها و یا محل‌های دورافتاده و یا جنگی و رودخانه پرآب و بالاخره خرابه‌ها و ابنیه مخروبه از عوامل مؤثر در ارتکاب جرم محسوب می‌شوند.

عوامل اجتماعی به معنای عام شامل عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در اشاعه رفتار بزه‌کارانه از سایر عوامل کمتر نیست. محیط‌های اجتماعی اعم از محیط‌های عمومی یا کلی که همه اجتماع را شامل می‌گردند و محیط‌های محدود از قبیل محیط‌های انتخابی و یا اتفاقی و تحمیلی و اجتناب‌ناپذیر عوامل بسیار مؤثری در ارتکاب بزه محسوب می‌شوند.

شاید بتوان در راس عوامل اجتماعی، عامل اقتصادی را قرار داد، به عبارت دیگر فقر و ناداری تأثیر فراوانی در تشویق افراد به سوی بزه‌کاری دارد بیش‌تر سرقت‌ها، اختلاس‌ها، خیانت در امانت‌ها و کلاهبرداری‌ها منشاء اقتصادی دارد. در عین حال تأثیر عوامل فرهنگی و اعتقادی بر کسی پوشیده نیست، چه کسی می‌تواند منکر این واقعیت گردد که ضعف مبانی اعتقادی و عدم پای‌بندی به اصول اخلاقی و تعالیم مذهبی تأثیر فراوانی در کشیده شدن افراد به سوی جرایم و خلافکاری‌ها دارد، همچنان که نظام سیاسی حاکم بر یک جامعه می‌تواند در تشویق یا عدم تشویق افراد به ارتکاب جرائم مؤثر باشد.

### ۳- گونه‌های پیشگیری

#### ۳-۱- پیشگیری از بزه‌کاری اطفال و پیش‌گیری از بزه‌کاری عمومی

این قسم از پیشگیری که قدیمی‌ترین نوع پی‌گیری است، اشاره به وجود تفاوت در پیشگیری میان

اطفال و بزرگسالان دارد. بدین معنا که با توجه به شخصیت اطفال که در حال رشد و شکل‌گیری است، تدابیر پیشگیرانه در خصوص آنان پرورشی و اصلاحی خواهد بود. در مقابل در خصوص بزرگسالان که دارای شخصیت شکل گرفته و قوام یافته هستند، پیشگیری جنبه ارعابی و تهدید‌آمیز به خود خواهد گرفت.

### ۲-۳- پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی

پیشگیری عمومی ناظر به کلیه عوامل جرم‌زایی است که به صورت مشترک در جرائم مختلف وجود دارند. تدابیر در این خصوص را باید در بنیان‌های جامعه مورد جستجو قرار داد. مثلاً ازدواج و اشتغال می‌تواند از جمله این راهبردهای پیشگیری باشند. در مقابل پیشگیری اختصاصی ناظر به عواملی است که مربوط به جرم خاصی بوده و اقدامات پیشگیرانه نیز بر اساس آن طراحی می‌گردند. مثلاً نصب دزدگیر در خودروها، اقدامی پیشگیرانه برای جرم سرقت خواهد بود.

### ۳-۳- پیشگیری انفعالی و پیشگیری فعال

در پیشگیری انفعالی متولیان عدالت کیفری و به خصوص پلیس در مقابل بزه‌کاران حالت تدافعی دارند. در پیشگیری منفعل، ابتکار عمل با بزه‌کاران است و متولیان امر ابتدا با شگردهای جدید بزه‌کاران روبه‌رو شده و سپس سعی در مقابله و پیشگیری با این شگردها دارند. هشدارهای پلیسی به بزه‌دیدگان بالقوه جرائم نیز نوعی از پیشگیری منفعل است. در مقابل در پیشگیری فعال، ابتکار عمل با متولیان پیشگیری بوده و به صورت پیش‌دستانه به مقابله با جرم بر می‌خیزند. در این خصوص می‌توان به پر کردن اوقات فراغت کودکان در معرض خطر بزه‌کاری و تشکیل نهادهای مردمی فعال در خصوص پیشگیری در سطح محله‌ها اشاره داشت.

### ۴-۳- پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث

این قسم از پیشگیری بر مبنای مدل پیشگیری مرسوم در پزشکی وارد جرم‌شناسی شده است. پیشگیری اولیه مربوط به کل جامعه است. در این نوع از پیشگیری تلاش برای ارائه راهبردهائی است که همه افراد جامعه را در مقابل خطر بزه‌کاری و بزه‌دیدگی تقویت کند. در این پیشگیری تدابیر و اقدامات در جهت سالم‌سازی محیط طبیعی و اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال و شرایط جرم‌زاست. به‌عنوان مثال، بهبود شرایط زندگی افراد با راهبردهائی چون فقرزدائی و بالا بردن سطح سواد می‌تواند پیشگیری اولیه قلمداد

شود. پیشگیری ثانویه ناظر به افرادی است که وضعیت خاص آنان سبب شده است نسبت به سایر افراد جامعه، بیشتر در معرض در خطر بزهکاری یا بزه‌دیدگی باشند. بر این اساس، تدابیر و اقدامات این نوع پیشگیری در خصوص افرادی چون کودکان فراری از مدرسه، اقشار محروم و سایر افراد در معرض خطر خواهد بود. پیشگیری ثالث ناظر به اقداماتی است که برای جلوگیری از تکرار بزهکاری و بزه‌دیدگی اعمال می‌شوند. برنامه‌های اصلاحی و درمانی زندان و همچنین برنامه‌های حمایتی از بزه‌دیدگان جرائم می‌تواند از جمله این تدابیر باشد.

### ۳-۵- پیشگیری اجتماعی و وضعی

مرسوم‌ترین تقسیم‌بندی پیشگیری، پیشگیری اجتماعی و وضعی است. در پیشگیری اجتماعی، تدابیر و اقداماتی اتخاذ می‌شود که سبب ایجاد تغییر و اصلاحات در فرد و جامعه شده و در نهایت سبب جلوگیری از بروز جرائم به صورت پایدار و همیشگی شود. این نوع از پیشگیری با برنامه‌هایی چون آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه، در صدد هماهنگ‌سازی افراد جامعه با قواعد اجتماعی است. پیشگیری اجتماعی ناظر به محیط‌هایی است که در فرایند جامعه‌پذیری و اجتماع‌پذیری فرد نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی است. این محیط‌ها مشتمل بر محیط خانواده، مدرسه، دانشگاه، کار، دوستان و محیط‌های فرهنگی و تفریحی خواهد بود.

پیشگیری اجتماعی خود به دو نوع پیشگیری رشدمدار و جامعه‌مدار تقسیم می‌گردد. در پیشگیری رشدمدار با مداخله زودرس در خصوص طفلی که در معرض بزهکاری است، از مزمن شدن بزهکاری در وی جلوگیری می‌شود. در این نوع از پیشگیری اقدامات مناسب و زودهنگام اجتماعی- روان‌شناختی، از تداوم و استقرار رفتارهای بزه‌کاری در طفل، جلوگیری می‌کند. این امر از آن جهت حائز اهمیت است که طفل در دوران رشد و یادگیری قرار داشته و تدابیری که در این دوران اتخاذ می‌شود، دارای ماندگاری و ثبات بیشتری خواهد بود. در پیشگیری جامعه‌مدار تلاش بر آن است که عوامل جرم‌زای محیط اجتماعی و عمومی را با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب، کاهش داده یا از بین برد. البته منظور از عوامل اجتماعی، کلیه عوامل زیربنایی چون عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. از این رو اجرای برنامه‌های منسجم در خصوص اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش، بهداشت، اوقات فراغت و اموری از این قبیل، می‌تواند در مقوله پیشگیری جامعه‌مدار بگنجد. البته، در برنامه‌ریزی و اجرای این اقدامات، باید نقش آنان در پیشگیری از جرم را لحاظ داشته یا این که هدف از این

اقدامات، پیشگیری از جرم باشد تا بتوان آن را پیشگیری جامعه‌مدار نامید. یعنی با توجه به خطرات احتمالی در جامعه، با آگاهی از این که این برنامه در راستای پیشگیری از این خطرات است، مبادرت به اجرای اقدامات مناسب برای آن نمود.

پیشگیری وضعی با تغییر وضعیت فرد یا شرایط محیط بیرونی مانند مکان و زمان سعی در جلوگیری از ارتکاب جرم دارد. در این نوع از پیشگیری با اتخاذ تدابیر و اقدامات، امکان تحقق رفتار مجرمانه سلب یا دشوار می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به سخت کردن دسترسی به آماج‌ها یا محافظت از بزه‌دیدگان بالقوه جرائم اشاره کرد که سبب افزایش هزینه جرم و کاهش منافع ناشی از آن می‌گردد و وسوسه‌های درونی مرتکبین را کاهش می‌دهد. همچنین تدابیری که در راستای کاستن از جاذبه‌های مجرمان و عوامل تحریک‌کننده موقعیتی هستند، از جمله تدابیر پیشگیری وضعی هستند. این تدابیر جهت جلوگیری از تصمیم نهایی مجرم و گذار او از اندیشه به عمل اتخاذ می‌گردند. مثلاً حفظ حجاب و پنهان کردن زیورآلات زنان، استفاده از دوربین‌های مداربسته و چشم‌های الکترونیکی از جمله این اقدامات هستند.

#### ۴- پیشگیری اطفال و نوجوانان در مقابل بزهکاری

اگر بسیاری از خانواده‌های ما و مریبان اجتماع به این عشق مولا علی (ع) که می‌فرمایند: «همانا قلب، جان و روان جوان مانند زمین خالی، آماده است که هر بذری در آن پاشیده شود می‌پذیرد و باورش می‌کند» ارج نهاده بودند و تعلیم، تربیت و آموزش‌های صحیح و دادن آگاهی به موقع به جوانان و نوجوانان بذری راستی و درستی را در نهاد آنان کاشته بودند امروز با تصمیمی جدی و استوار به استقبال امور زندگی فردی و اجتماعی می‌شناختند ولی متأسفانه این بذری به موقع در نهاد آنان پاشیده نشده و قلب آنان سخت گردیده و عقل و فکرت آنان به امور دیگری مشغول است و بار کجی در دست آن‌ها است که آنان را به سرمنزل مقصود واقعی نخواهد رساند.

بیشترین احتمال وقوع بزهکاری در نوجوانان مربوط به سنین شانزده و هفده سال است که این سال‌ها دوران سپری نمودن و گذار از بحران بلوغ و هویت می‌باشد. در واقع نواسانات خلقی، سرکشی، رفتارهای تکانشی و بی‌توجهی به هنجارهای جامعه نشات گرفته از شخصیت تثبیت نشده و در حال شکل‌گیری نوجوانان و از مشخصات این دوره از رشد آدمی است که عموماً خانواده‌ها نسبت به این مهم به درستی واقف نیستند. اساساً نقش‌های خانوادگی زمانی به مؤثرترین شکل تحقق می‌یابند که



دربرگیرنده تمام کارکردهای ضروری خانواده باشند و به طور عادلانه بین اعضاء تقسیم شود و همچنین درباره انجام وظایف اعضاء پیگیری مستمری انجام گیرد. در خانواده‌های نوجوانان بزهکار به خاطر از هم گسیختگی و غفلت خانوادگی تخصیص نقش‌ها در خانواده به درستی صورت نمی‌گیرد. والدین دچار غفلت شده و به مسائل تربیتی، تحصیلی، اقتصادی و تفریحی کودکان و نوجوانان اهمیت نمی‌دهند و آن‌ها را به حال خود رها کرده و فرزندان بیشتر به اجتماع و گروه‌های همسالان روی می‌آورند و نظارت والدین بر روی آن‌ها کم می‌شود.

عموما مرزها در خانواده‌های نوجوانان بزهکار شرایط مناسبی ندارد، چنین خانواده‌هایی احتمالا اعضایش را به سمت رفتارهای مخرب و پرخاشگرانه پنهانی سوق می‌دهد و مبارزه برای کسب قدرت در خانواده شدت می‌گیرد. نقش‌های خانوادگی در خانواده‌های نوجوانان غیربزهکار و بزهکار متفاوت می‌باشند و در خانواده‌های نوجوانان غیربزهکار نقش‌ها شرایط مطلوب‌تری دارند. چون نقش‌های خانوادگی شامل نقش‌ها و وظایف اعضای خانواده، چگونگی تقسیم وظایف بین اعضاء، قدرت برنامه‌ریزی برای ادای وظایف، تبیین نقش‌ها و مرزها برای اعضاء و وضع مقررات برای برقراری نظم در خانواده‌های نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان غیربزهکار در سطح پایین‌تر می‌باشد. این امر تأثیر زیادی در ایجاد رفتار بزهکارانه آنان داشته است. در واقع این موضوعات باعث شده‌اند که خانواده‌های نوجوانان غیربزهکار محیطی امن برای آن‌ها بوده و نوجوانان با پناه بردن به آن از گزند آسیب‌ها دور باشند. ضعف در اجرای نقش‌های خانوادگی یکی از زمینه‌های اصلی بروز اختلالات رفتاری به‌ویژه بزهکاری در نوجوانان است.

در گروه نوجوانان بزهکار و غیربزهکار در مسائلی نظیر قدرت ابداع خانواده در حل مشکلات خویش، حمایت از یکدیگر در مواقع بحران، تدبیر راه‌هایی برای حل مشکل، ارزشیابی راه‌حل‌های اعمال شده، ارتباط صریح، اعتماد متقابل، مسئولیت‌پذیری ایجاد مقررات و آگاهی از مسائل سایر اعضای خانواده با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت می‌تواند زمینه ساز بروز رفتارهای ضداجتماعی در فرزندان نوجوان خانواده گردد. اصولا وجود مهر و محبت در کانون خانواده به تقویت ایمان، تلقین ارزش‌های اخلاقی و به وجود آمدن خودپنداری مثبت در نوجوانان کمک می‌کند و اثر مهمی در رفتار نوجوانان دارد، همچنین ایجاد روابط صمیمی در خانواده محیطی مناسب جهت طرح مشکلات و مسائل نوجوانان

وسيله‌ای مناسب برای تسکین ناراحتی‌های دوران بلوغ است.

مسئله بزهکاری و انحراف اطفال و نوجوانان از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های حاصل از عدم امکان تأمین خواست‌ها و احتیاجات زندگی، موجب توسعه شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و امثال آن در اطفال و نوجوانان شده است. این‌گونه مسائل، امروزه برای کشور ما هم مطرح است و آثار مهلک آن‌ها در سیمای جامعه آشکار است. کودکان و نوجوانان سرمایه‌های جامعه هستند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده سلامت جامعه آینده است، بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آن توجه کافی مبذول داشت. مطالعات کشورهای غربی حاکی از آن است که تجربه رفتارهای بزهکارانه در میان نوجوانان بسیار شایع است. تجربه نشان می‌دهد تنها تعدادی از نوجوانانی که دست به قانون‌شکنی می‌زنند، دستگیر می‌شوند و از کسانی که دستگیر شده‌اند، تنها تعداد محدودی بازداشت می‌شوند و از میان بازداشت‌شدگان عده‌ای خاص به زندان فرستاده می‌شوند و از کسانی که محاکمه شده‌اند نیز تنها بخشی به‌عنوان بزهکار محکوم می‌شوند. بنابراین بسیار دشوار است که بدانیم در هر جامعه چند نفر بزهکار وجود دارد. بزهکاران از نظر روانشناسان یک گروه افراد جوان و نوجوان بسیار ناهمگون و نامتجانس هستند و مسیری که به بزهکاری ختم می‌شود گوناگون است. نوجوانانی را که با بزه درگیر هستند یا می‌شوند، نمی‌توان به سادگی در الگوی رفتاری یا ویژگی‌های منحصر به فرد جا داد. بزهکاری پیامد و نتیجه تعامل و تأثیر متقابل عواملی است که در زندگی فرد وجود دارد، بنابراین بزهکاری رفتاری ناشی از عوامل گوناگون است.

### نتیجه

به اقرار قریب به اتفاق تمام حقوقدانان رویکردی که قانون مجازات اسلامی به خود گرفته است بیشترین انعطاف را در مجازات بزهکاران نوجوان و اطفال را داشته که به نوعی رعایت حقوق آن و رعایت اصلی فردی کردن مجازات در راستای تربیتی و مشارکتی نمودن آن سیر پیدا کرده است. بنابراین رویکرد قانون مذکور که بیشترین توجه به مجازات اطفال و نوجوان را در قالب تنبیه آورده و پیشگیرانه‌ترین است، نماینگر توجه به روحیات روانی و آینده آنان و بااجتماعی شدن هرچه بیشتر است که این دیدگاه بیشتر از

رویکرد جرائم بزرگسالان می‌باشد. در جرم‌شناسی، پیشگیری از جرم یک علم عملی است، به گونه‌ای که عملکرد و تأثیر نظریه‌ها و نظریه پردازی‌های مربوط به آن، تنها در مقام عمل و با ارزیابی اثرات واقعی اجرای آن‌ها و تدابیر اتخاذ شده در خصوص آن‌ها آشکار می‌شود. در حیطه پیشگیری این امر منوط به وظیفه یک یا چند نهاد خاص نیست، بلکه تدابیر پیشگیرانه بایستی توسط همه نهادهای جامعه مدنی نظیر خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی، شوراهای شهر و روستاها، سازمان‌های غیردولتی، اصناف، اتحادیه‌ها و همه نهادهای دولتی نظیر مجلس قانون‌گذاری، دادگاه‌ها، پلیس، سازمان‌های تأمین اجتماعی، شهرداری‌ها و... اجرا شود. خلاصه این که، موفقیت این امر مستلزم روشن شدن دقیق اصول و تدابیر پیشگیرانه با توجه به انواع گوناگون آن‌ها و نیز تبیین وظایف هر یک از مراجع پیشگیری به‌ویژه نظارت خاص یک نهاد علمی مسئول است؛ تا بتواند با همه مراجع پیشگیری دولتی و اجتماعی رابطه برقرار کرده و راهنمایی و آموزش لازم را در اختیار آنان قرار دهد؛ همچنین اثرات اقدامات پیشگیرانه را ارزیابی نماید تا با بررسی آن‌ها بتوان با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم در جامعه، نسبت به تغییر و جایگزین نمودن بهترین روش‌های پیشگیرانه اقدام نمود.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- ابراهیمی، شهرام، ۱۳۸۸، رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن، فصلنامه آموزه‌های حقوقی، شماره ۲۱.
- تاج‌زمان، دانش، ۱۳۸۱، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، تهران، انتشارات کیهان.
- حسینی، سیدمحمد، ۱۳۸۳، سیاست جنائی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- صانعی، پرویز، ۱۳۷۱، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش.

- رحمتی، محمدجواد، ۱۳۸۸، پیشگیری از جرم و آموزه‌های دینی، مجموعه مقالات همایش پیشگیری از

### وقوع جرم.

- رحیمی‌نژاد، اسماعیل، ۱۳۸۵، آشنائی با حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- محمدنسل، غلامرضا، ۱۳۸۸، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس

پیشگیری ناجا.

- محمودی‌جانکی، فیروز و فورچی‌بیگی، مجید، ۱۳۸۸، نقش طراحی محیطی در پی‌گیری از جرم، مجله

### دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۹.

- میرخلیلی، محمود، ۱۳۸۸، پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنائی اسلام، تهران،

سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین، ۱۳۸۲، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجموعه مقالات پیشگیری از

جرم، چاپ اول، تهران، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه.